

معرفی نسخه خطی معارف الحقایق فی التحقیق الدقایق در شرح لمعات عراقی و لزوم تصحیح آن

*محمد جلالی^۱ - اسماعیل تاجبخش^۲

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: jalalium110@gmail.com
۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله (۱۰۴-۸۹)	چکیده
نوع مقاله:	لمعات فخرالدین عراقی از جمله آثار مهم عرفانی به زبان فارسی است که در آن به بیان مراتب عشق و حقایق عرفانی پرداخته شده است. با توجه به موضوع این اثر و کاربرد برخی اصطلاحات و اشارات عرفانی، از دیرباز عارفان و عالمان فراوانی کوشیده‌اند تا با نگارش حاشیه و شروح مختلف بر این کتاب ارزشمند، فهم و درک آن را تسهیل بخشند. معارف الحقایق نوشته میر پادشاه، مفصل‌ترین شرح بر این اثر ارجمند است. این کتاب نسخه نویافته‌ای است که هنوز هیچ تصحیحی از آن ارائه نگردیده است. نگارندگان کوشیده‌اند تا در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و ضمن تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، نخست به معرفی مؤلف این اثر پرداخته و در گام بعدی محتوای کتاب را مورد بررسی و تحلیل قرار داده، ویژگی‌های مهم سبکی آن را بیان نمایند. بنابر نتایج این پژوهش، تصحیح نسخه خطی معارف الحقایق فی التحقیق الدقایق با توجه به شرح بسیط مولف و اظهار نظر و نقل قول وی از شروح دیگر و نیز از آنجایی که حاوی اطلاعات قابل توجهی از مشایخ و اعتقادات سلسله انشعابی است، می‌تواند بسیار رهگشا و ارزشمند باشد.
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۳/۰۱/۱۵	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۳/۰۴/۱۷	
واژه‌های کلیدی:	
فخرالدین عراقی لمعات معارف الحقایق میرپادشاه نسخه خطی	

۱. مقدمه

گر قطره نماند آب باقی باشد ورکوزه شکست بحر ساقی باشد
 عطار به صورت از خراسان گر رفت آمد عوضش، شیخ عراقی باشد
 (نعمت الله ولی، ۱۳۸۵: ۸۰۴)

از دیرباز تا کنون کتاب‌های بسیار ارزشمند و تاثیرگذاری در تبیین رویکرد بزرگان تصوف و عرفان و نوع نگرش آنها به هستی نگاشته شده است. طرز تلقی طیف گسترده‌ای از این کتاب‌ها، بیان فلسفه وحدت وجود است. یکی از کتاب‌های تأثیرگذار و جاودان به زبان فارسی در تبیین فلسفه وحدت وجود و بیان راز و رمز عرفان و تصوف اسلامی، کتاب لمعات شیخ فخرالدین عراقی است. فخرالدین ابراهیم بن بزرگمهر بن عبدالغفار کمیجانی یا فخرالدین عراقی کمیجانی از شاعران و عارفان و نویسندگان صوفی ادب فارسی در سده هفتم هجری می‌باشد. وی با بهروری از شهودجمال معشوق مطلق در گیتی کوشیده است تا دریافت‌های باطنی و سوز و گداز عاشقانه خویش را با نثری شیوا به صورت موجز و زبان ایما در لمعات ارائه نماید. در بخش آغازین کتاب لمعات چنین آمده است:

«اما بعد، کلمه‌ای چند در بیان مراتب عشق بر سنن سوانح به زبان وقت املا کرده می‌شود تا اینه معشوق نمای هر عاشق آید، با آنکه رتبت عشق برتر از آن است که به قوت فهم و بیان گرد سرپرده جلال آن توان گشت یا به دیده کشف و عیان به جمال حقیقت او نظر توان کرد.» (عراقی، ۱۳۸۲: ۲۲)

البته مقصود عراقی از شیوه سوانح، بیشتر نوع نگاه و نگرش غزالی به موضوع وحدت وجود و جلوه جمال پرستی وی در کتاب سوانح است تا اسلوب نوشتار او. همچنین کتاب لمعات ترجمه‌ای عاشقانه در کمال انقطاع و توجه و تسلیم از کتاب فصوص الحکم محی الدین به زبان فارسی است. «شیخ المشایخ حضرت شیخ عراقی که در استماع فصوص حکم، لمعات را به فارسی بر سیل ایجاز در حیز بیان آورده‌اند و تصنیف کرده‌اند، از آن جمله است که تا کسی به کمال انقطاع و توجه و تسلیم بیش نیاید، عرایس و ابکار اسرار آن نقاب نگشاید و طلعت معانی و حقایق آن جمال ننماید.» (میرپادشاه، ۳)

می‌گویند فخرالدین عراقی با صدرالدین قونوی (متوفی ۶۷۱ یا ۶۷۳) پسر خوانده و خلیفه ابن عربی از اکابر عرفای قرن هفتم، دیدار داشته است. «وقتی که لمعات به اتمام رسید و شیخ آن را به صدر الدین قونوی عرضه کرد، صدرالدین آن را بوسید و بر دیده نهاد و فرمود: فخرالدین سر سخن مردان آشکار کردی و لمعات به حقیقت لب فصوص است.» (نوربخش، ۱۳۸۲: مقدمه)

کتاب کوچک لمعات در قرون هشتم و نهم هجری در بلاد مختلف ایران و در قرن‌های دهم و یازدهم هجری به بعد در شبه قاره پاکستان و هند و آسیای میانه اهمیت و مقبولیت و محبوبیت شایان توجهی یافت و عجیب اینکه در شبه قاره، صوفیان و عارفان سلاسل مختلف مانند: سهروردیه، چشتیه، قادریه و شطاریه به شرح و توضیح آن پرداختند و مکتب عرفانی شیخ ابن عربی و شیخ عراقی را به وسیله آن گسترش دادند.

۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

نظر به اهمیت کتاب مستطاب لمعات و ارزش ادبی، عرفانی و فلسفی آن، شروح مختلفی بر این کتاب نگاشته شده است. عارفان و عالمان فراوانی کوشیده‌اند، با ادغام و امتزاج شروح مختلف عرفانی و اشعار و نقل قول‌های بزرگان متقدم، حاشیه‌های مختلفی بر این کتاب تألیف نمایند و پردهٔ خمول و ابهام از سر سخن عراقی برگیرند. کتاب معارف الحقایق از شروح نویافته لمعات است که مؤلف آن با توجه به علاقهٔ باطنی خود به عرفان و اندیشه‌های عراقی، گویا تمام شروح ماقبل خود من جمله شرح معروف اشعه اللمعات عبدالرحمن جامی را دیده و با حفظ احترام به وی و درج عبارات فراوانی از آن شرح در اثر خود، باز هم کوشیده است تا برای فهم بیشتر مطالب عراقی، کتاب جامع‌تری به رشتهٔ تحریر در آورد. تصحیح این اثر به‌عنوان مفصل‌ترین شرح لمعات که تا کنون یافته شده است، می‌تواند اطلاعات منحصر به‌فردی به پژوهشگران حوزهٔ عرفان و تصوف ادبیات فارسی ارائه نماید. معرفی نویسندهٔ کتاب‌های دیگر و استادان او، نگاهی به مشرب عرفانی و سیاسی مؤلف، نوع نگاه و سبک نگارش کتاب، ویژگی شرح لمعات وی نسبت به سایر شروح از سوالات عمدهٔ این پژوهش است.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

نسخه‌های خطی ارزشمندی از آثار بزرگان ادبیات فارسی در کتابخانه‌های داخل و خارج یافت می‌شود که هنوز مورد پژوهش و تصحیح قرار نگرفته‌اند. اهتمام اهل فن برای ارائهٔ تصحیح نسخه‌های خطی مختلف، می‌تواند نقش به‌سزایی در افزونی شوکت و مجد زبان و ادبیات فارسی و نیز هویت ملی ایرانی داشته و باب‌هایی تازه‌ای را در پژوهش علمی، ادبی و تاریخی پیشینیان بر پژوهشگران بگشاید. با توجه به قلت توضیحات سایر شروح لمعات در مقابل شرح بسیط مؤلف کتاب معارف الحقایق که کلمه به کلمه لمعات را در عبارات و گاهی صفحات طولانی توضیح داده است، بی‌گمان، پس از تصحیح این اثر، می‌تواند به‌عنوان اصلی‌ترین مرجع

مراجعات و پژوهشگران برای فهم لمعات و درک هر چه بهتر آن، واقع گردد. همچنین معارف الحقایق منبع بسیار مهمی برای تحقیق در خصوص مشایخ صوفیه در شبه قاره و آسیای میانه است. نام و شرح زندگی مشایخ بسیاری (از جمله استادان مؤلف) که در تذکره‌های ادبی و عرفانی کمتر از آنها یاد شده، منبع تحقیقاتی قابل توجهی در این زمینه فراهم آورده است. نویسنده کتاب از مشایخ سلسله انشعابی از تصوف نقشبندیّه ده بیدیه در زمان خویش است که به سلسله خواجهگان جویباری مشهور است. سلسله‌ای که در اوضاع سیاسی زمان خود نقش به‌سزایی داشته و از نفوذ بیش از حد ایشان در اداره امور دربار شیانیان هم می‌توان اطلاعات مشبعی در اثنای کتاب به‌دست آورد. کتاب مذکور قابلیت آن را دارد تا در جایگاه یک کتاب پژوهشی برای تبیین و توضیح اصطلاحات عرفانی همچون گلشن راز معرفی شود. همچنین نسخه‌ای از کتاب لمعات عراقی در متن کتاب مندرج است که با نسخه‌های موجود تفاوت دارد و می‌تواند در تصحیح نسخه جدید از کتاب لمعات عراقی بسیار سودمند واقع شود و مجهولات احتمالی تصحیح‌های دیگر را برطرف نماید.

۱-۳. پیشینه پژوهش

در مورد لمعات و شروح مختلف آن، پژوهش‌های ارزشمند بسیاری صورت گرفته است که از مهمترین آنها می‌توان به‌موارد زیر اشاره کرد:

شیخ الاسلامی، علی و شهره انصاری (۱۳۸۰) در مقاله «معرفی کتاب اللمعات فی شرح اللمعات (شرحی زیبا و کهن از لمعات عراقی)» به معرفی و تحلیل نسخه اللمعات فی شرح اللمعات می‌پردازند. بنابر این پژوهش، کتاب اللمعات فی شرح اللمعات از شیخ یارعلی شیرازی، عارف قرون هشتم و نهم هجری اثری است که با وجود ویژگی‌های منحصر به‌فرد آن، به‌ویژه از جنبه محتوایی، همچنان ناشناخته مانده است. این کتاب، علاوه بر نثر پخته، با شیوه‌ای روشمند، خواننده را گام به گام، در راه آشنایی با مفاهیم عمیق عرفانی لمعات به پیش می‌برد و استشهدهای زیبای منظوم و منثور موجود در آن، به پارسی یا عربی، ضمن آشنا کردن خواننده با مباحث کتاب، از دشواری و دیریابی مفاهیم فلسفی - عرفانی آن می‌کاهد.

براتی، محمود (۱۳۸۷) در مقاله «سبک سخن فخر الدین عراقی در لمعات» با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی سبکی لمعات پرداخته است. بر اساس این پژوهش، لمعات عراقی در عین بیان و تبیین اندیشه‌های عمیق عرفانی ابن عربی، نثری شاعرانه و جذاب ارایه می‌دهد

که محصول پختگی و کمال نثر فارسی در قرن هفتم است. نثری که همچون شعر، مجال آن را یافته تا مضامین و اندیشه های بلند عرفانی را در خود جای دهد.

محسنی نیا، نصر و علی نقی، حسین (۱۳۹۴۵) در مقاله «نمود وحدت وجود و وحدت شهود در لمعات فخرالدین عراقی» پس از پرداختن به تعاریف مربوط به این دو مفهوم نوع بیان فخرالدین عراقی درباره آنها در لمعات، بررسی و مطالعه می شود. مطابق سخنان عراقی در این کتاب می توان ادعا کرد که او این دو مفهوم را از یک جنس می داند و تفاوتی بین آنها قائل نیست. در واقع باید گفت او به گونه ای، وحدت شهود را نمود عینی وحدت وجود به شمار می آورد.

اما در مورد کتاب معارف الحقایق فی تحقیق الدقایق تاکنون پژوهش خاصی انجام نشده است؛ لذا مقاله حاضر به نوعی تازه و منحصر به فرد است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. نگاهی اجمالی به شرح های مختلف لمعات

بنابر اهمیت کتاب لمعات عراقی، شروح فراوانی بر آن نگاشته شده است که با تحقیق کتابخانه ای و مشاهده نسخه های مختلف به این نتیجه می رسیم که تاکنون نمونه های متعددی از نسخه های خطی موجود شروح لمعات چاپ شده اند و حتی برخی از این شروح به صورت تک نسخه بوده و با تصحیح اجتهادی به طبع رسیده اند. به طور کلی شرح های لمعات را می توان به سه دسته تقسیم نمود: نخست شروحي که نسخه هایی از آن موجودند و دسته دیگر شروحي که از نام و نشان مؤلف آن آگاهی نداریم و دسته سوم شرح های بدون نسخه که فقط نام شرح یا مؤلف آن در کتاب ها و تذکره ها ذکر شده و نسخه ای از آن تا کنون به دست نیامده است. محمداختر چیمه استاد دانشگاه دولتی فیصل آباد پاکستان در مقاله ای با عنوان «بررسی شروح لمعات عراقی»، ۳۰ شرح و حاشیه نویسی بر لمعات عراقی را احصاء نموده است. مهم ترین شروح لمعات که نسخه هایی از آن شناسیم عبارتند از: شرح درویش علی بن یوسف کرکهری - شرح شیخ یارعلی شیرازی: موسوم به اللمحات فی شرح اللمعات - شرح صاین الدین علی تُرکه اصفهانی (م ۸۳۵ ه.ق) به نام الضو - شرح شاه نعمت الله ولی کرمانی - شرح شیخ شهاب الدین امیر عبدالله بُرزش آبادی - التنبیهات فی شرح اللمعات: از شارحی ناشناس - شرح عبدالرحمن جامی: اشعه اللمعات - شرح برهان الدین عبدالله ختلانی - شرح عبدالغفور لاری: حاشیه اشعه اللمعات - شرحی از شیخ عبدالقدوس گنگوهی - شرح نظام الدین تهناسیری: معدن الاسرار - شرحی دیگر از نظام الدین تهناسیری: تجلیات الجمال - حاشیه لمعات از شاه

حبیب الله قنوجی - حاشیه سماء الدین دهلوی - شرح دکتر بهمن حکیمیان ساغر شیدایی (رشحاتی بر لمعات)

این کتاب تازه‌ترین شرح نگارش شده در مورد لمعات عراقی است. به گفته مولف، ایشان از اشعه لمعات جامی بهره گرفته و آنچه را خود فهمیده، بیان می‌کند. او هر ۲۸ لمعه را شرح نموده و در آخر هر لمعه مطالبی را حدود نیم صفحه با عنوان نتیجه مبحث آورده است و هر لمعه را نامی به مقتضای استنباط شخصی خویش نهاده، مثلاً لمعه اول را «شرحی از نقطه صفر عشق!» و لمعه دوم را «شرحی در فیض عشق!» و لمعه سوم را «عشق عجب عالمی دارد!» نام گذاری کرده است.

در قسمت‌های مختلف کتاب منبع و مأخذی برای گفتارها ذکر نشده است. او کتاب خود را بازخوانی معرفتی از لمعات به عنوان پیش نیاز قصیده نظم السلوک (تائیه کبری) ابن فارض می‌داند.

علاوه بر شروح فوق از: حاشیه بر لمعات از شیخ محمد حسین عشاق، شرح لمعات از علامه عبدالقادر اربلی، شرح لمعات از محمد زاهد، مشارق اللمعات، انعکاس اشعه اللمعات، فتوحات در شرح لمعات، شرح ازسکاک، نشاه العشق، شرح ترجمه شیخ علاء الدین علی بن احمد معروف به ملا علی مهامی می‌توان نام برد.

۲-۲. معرفی نویسنده معارف الحقایق

برخلاف روال معمول کتاب‌ها، نویسنده معارف الحقایق فی تحقیق الدقایق در صفحات پایانی کتاب به معرفی خویش و اجداد و نیاکان صوفی‌اش پرداخته و به تفصیل، زندگی عرفانی خود را از شش سالگی تا زمان تألیف کتاب بیان نموده است. وی در باره نامگذاریش می‌گوید: «جد فقیر قطب وقت -سید بدیع الدین حسینی- در واقعه دیده‌اند که حضرت میر ظاهر شدند و فرمودند: تو را نبیره خواهد شد و به ظهور خواهد آمد بعد از ده سال. او کوچک ماست نام او را میر پادشاه نام نهی و او را توفیق رفیق راه خواهد گردید و در قدم درویشان عمر صرف خواهد کرد.» (میرپادشاه : ۵۱۷) او نسب خود را به پنج واسطه به حضرت امیر حیدر کسبی منتسب می‌داند: «و این فقیر کمتر از قطمیر را به آن حضرت به اعتبار واسطه است: میر سید حسین بن میر پادشاه ابن ارشاد مآب سید قاسم بن سید بدیع الدین ابن سید احمد بن سید حسین ابن حضرت امیر حیدر الکسبی قدس الله سره ...» (میرپادشاه : ۵۱۷)

مؤلف از پانزده سالگی شاگرد ملا محمد زاهد بوده که از این شخصیت هم در تذکره‌ها و کتاب‌های عرفانی نام برده شده است ولی اطلاعاتی از او در دست نیست. میر پادشاه در معارف

الحقایق به توضیح مبسوطی در خصوص او پرداخته و در بزرگداشت او می‌گوید: «بس محقق و معرف بودند که در عصر خود هم‌تا نداشتند و به مقام قطبیت مشرف گردیده بودند.» (همان: ۵۱۱) او همچنین درباره تربیت خویش از لسان ملا محمد زاهد آورده است: «... شما را آن حضرت صلی الله علیه و سلم به ما سپردند و امر کردند که در تربیت او کوشید، ما ماموریم و چون این را فرمودند به شرف توبه و تقریر مشرف گردیدم.» (همان: ۵۰۹)

ملا زاهد نوشتن شرح لمعات را نیز در آینده او پیشگویی نموده است: «و تو را خاقان الاعظم... عبدالله خان خلد ملکه و ابدخاقانه در خانقاه شیخ المشایخ شیخ عبدالطیف خواهند گذاشت و در آن منزل اربعین کبیر خواهی نشست و در سی و ششم اربعین شرح لمعات خواهی گفت... آنچه فرموده بودند همه واقع شد...» (همان، ۵۱۹)

میر پادشاه بیان می‌کند که پس از فوت حضرت ملا محمد زاهد بنا بر پیش‌بینی مراد و مرشدش پس از او به مقام زعامت خواهد رسید.

او در ابتدای کتاب انگیزه خود را از نگارش شرحی بر لمعات، اصرار دوستان و دیدن رویای صادقه‌ای می‌داند که شیخ عراقی ضمن آن دستور به نگارش این شرح می‌دهد: «حضرت شیخ را در واقعه دیده شد، به لباس سفید و محاسن سفید و بر اسب سفید سوار، ظاهر شدند و به فقیر لباس سفید پوشانیدند و اسبی که خود سوار آمده بودند، به فقیر عنایت نمودند و فرمودند: که سوار شو و فقیر به مضمون «المأمور معذور» عمل نموده، سوار شدم و فرمودند: که بگوی آنچه می‌گویی و بر اهل بصیرت تعبیر این واقعه معلوم است. و چون از واقعه حاضر شدم، اشتیاقی و شوقی به تصنیف شرح لمعات ظاهر گردید.» (همان: ۳۰۴)

نویسنده در این کتاب نام دو اثر دیگر خود را که به حیز بیان آورده، مذکور داشته است: «رساله فوتیه و ایضاح الصلّاحات و تفصیل المقامات» (همان: ۵۳۲) وی کتاب اخیر را بسیار مفصل و دارای دویست هشتاد جز می‌داند. به جز کتاب معارف الحقایق تا کنون نتوانسته‌ایم منبع دیگری بیابیم که درباره نویسنده و کتاب‌های دیگر او شرحی در آن آمده باشد.

۲-۳. مشرب عرفانی و سیاسی مؤلف

میرپادشاه در معارف الحقایق از سلسله خواجهگان نقشبندیه نام برده و خود را منتسب به خواجه اسلام جوئیاری و فرزندش می‌داند: «و بود قطب الاقطاب... زبده العارفین، قدوه المحققین، مظهر صفات حضرت باری، حضرت خواجه جوئیاری قدس الله روحه و آن نسبت شریفه از آن حضرت منتقل شد به فرزند آن حضرت، عارف بالله و موضح سر لی مع الله... خواجه سعد، المشتهر به خواجه کلان، سقی‌الله سراه» (میرپادشاه: ۵) جوئیاری انشعابی از

سلسله ده بیدیه خواجه احمد کاسانی مشهور به مخدوم اعظم است خواجه اسلام جویباری میراث‌دار مادی و معنوی کاسانی است. گسترش طرز تفکر نقشبندیه در دوران خلیفگی خواجه اسلام و پسرش خواجه سعد به سبب ارتباطات سیاسی این سلسله سرعت یافته و مقبولیت فراوانی در بین مردم و پادشاهان می‌یابد. «شیوخ جویباری با عبدالله یکی دیگر از خوانین شیبانی در بخارا رابطه معقولی برقرار کرد عبدالله با هدایت آنها بود که توانست تعدادی از رقبای خود را کنار بزند و در سال ۱۵۷۸/۹۸۶ کنترل سمرقند را به دست گیرد و حدود بیست سال بر تمام سرزمین‌های شیبانی حکمرانی کند.» (الگار، ۱۳۹۷: ۵۵)

آنچه میر پادشاه در شرح اعتقادات خواجهگان زمان خود بیان می‌کند، مبین آن است که آنها به اکثر اصول اولیه در طریقت نقشبندیه پایبندند ولی ویژگی متفاوت این سلسله دخالت در امور سیاسی و نزدیکی به امرا و سلاطین است. «از منظر کاسانی اساساً زیست صوفیانه بدون حمایت حکومت و در راس آن خان ممکن نبود. او در رساله تنبیه السلاطین آورده است: اکابر گفته‌اند سه چیز می‌باید تا سالک برزش این نسب شریف تواند کرد: اخوان، مکان، زمان. فقیر می‌گوید: چهار چیز می‌باید تا مرشد ترویج این نسبت کند: خان و اخوان و مکان و زمان. کاسانی معتقد بود درویش بدون حمایت سلطان هیچ کاری از پیش نمی‌برد، چرا که این طایفه را منکر و معترض بسیار است.» (آرامجو: ۱۴۰۰، ۶۹)

مؤلف معارف الحقایق هم به تبع بزرگان هم‌عصر و سلف خویش به عبدالله بهادرخان شیبانی پادشاه زمان تقرب جسته و ملازم وی می‌شود و او را مرکز دایره کون و مکان و زبده جمله انس و جان و... می‌داند و در اواخر کتاب هم کشف و کراماتی به او نسبت می‌دهد:

«در این مدت از خوارق عادت بسیار مشهود گردید چنانکه حضرت خاقان مذکور به هر جانب که به دولت و شوکت سوار می‌شدند قبل از سواری، احوالی که متحقق می‌گردید به تفصیل اظهار می‌کردند. بس عالی مقام و معظم و مکرم بودند! " ... مجملاً شب چهارشنبه که حضرت خاقان الاعظم الاکرم که روزش بابا سلطان را زیر کردند آن شب در سحر فقیر به جانب چادر آن حضرت رفتیم، جمع نشسته بودند و حکایت در عزل و نصب بود معلوم شد که رجال غیبند... بعد از برآمدن این جماعت فقیر درآمدم و فرمودند: معلوم شد که چه کسانی؟ فقیر گفتم: آری و فرمودند: چرا نه درآمدید شما محرم بودید!» (میر پادشاه، ۵۲۰)

۳. پردازش تحلیلی موضوع

۳-۱. معرفی نسخه خطی موجود کتاب معارف الحقایق

این نسخه در بیست و سوم تیر ماه ۱۳۸۹ شمسی همراه با یک مجموعه ۶۸ جلدی از شبه قاره به ایران آورده شده و توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی از احدی به نام میرداد به مبلغ یک میلیون تومان خریداری گردیده است و به شماره ۲۱۸۵۲ در فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس ثبت و در قفسه ۱۹۹۶۱ آن مخزن نگهداری می‌شود. نسخه مذکور دارای ۵۳۳ صفحه است که معدودی از صفحات آن حاشیه‌نویسی دارد. ابعاد نسخه ۲۵*۱۳ و تزیین جلد تیماج قهوه‌ای رنگ فرسوده است. نسخه الکترونیکی آن در تاریخ ۱۳۹۸/۸/۳ تهیه شده و در بایگانی رایانه‌ای کتابخانه مذکور موجود است. نویسندگان کلمه به کلمه ۲۸ گانه عراقی را من البدو الی الختم در کتاب خود آورده است و کاتب هم برای تمیز نوشته‌های مؤلف از مصنف، کلمات مربوط به کتاب لمعات را با دوات قرمز تا لمعه بیست و پنجم نگاشته است و کلمات لمعات بیست و شش تا بیست هشتم را با کشیدن خط زیر آن مشخص شده و شاید این قسمت‌های خط‌کشی کار کاتب نباشد و با تمام شدن دوات قرمز این تفکیک را فرو گذارده و خواننده یا دارنده نسخه این کار را در سه لمعه آخر انجام داده باشد. مؤلف در خصوص نام کتاب خود و تاریخ تألیف آن چنین آورده است: «... نام نهاده معارف الحقایق فی تحقیق الدقایق الرقایق الشقایق. و بود این کتاب در آن سی و ششم اربعین از اربعین کبیر» (میرپادشاه: ۴) و «و در بیست و نهم ماه محرم الحرام در وقت صلوه جمعه بود که به اتمام رسید و بود از هجرت سنه ثلاث و الف.» (میرپادشاه: ۵)

تألیف کتاب به سال ۱۰۰۳ ه.ق توسط یکی از اعظام صوفیه به نام میر پادشاه بوده و تاریخ کتابت ۱۰۲۰ ه.ق ثبت گردیده است. نام کاتب و نسخه‌نویس در کتاب درج نشده است.

۲-۳. نسخه اساس

این اثر نسخه بدلی ندارد و تنها نسخه موجود آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌گردد.



۳-۳. ویژگی‌های کتاب معارف الحقایق

این کتاب، شرحی فارسی بر لمعات عراقی است و همانگونه که نقل شد مؤلف با بیان واقعه‌ای نظیر ابن عربی که خود را از غیب ملزم به نوشتن فصوص الحکم می‌داند، خویشتن را مأمور معذور به تألیف شرح لمعات عراقی می‌داند. در ابتدای کتاب تحمیدیه‌ای شیوا نگاشته شده و پس از آن مؤلف به توضیح علت نگارش، ذکر انساب حضرت رسول، مدحت پادشاه و اقطاب زمان خویش پرداخته، سپس بیان می‌دارد برای اطلاع از کتاب‌های عرفانی می‌بایست اصطلاحات این طایفه را شناخت: «و چون دریافتن معارف و حقایق این رساله شریفه مقدسه موقوف بود به دانستن بعضی از اصطلاحات این طایفه بنابراین شروع به آن کرده و الله الموفق ...» (همان: ۷)

نویسنده در ادامه به توضیح علم توحید که آن را اشرف علوم می‌خواند، پرداخته و تا اواسط صفحه بیست و سه کتاب در ذات و صفات خداوند با بیان اصطلاحات فلسفی که بیشتر آن را از ابن عربی به عاریت گرفته، فصل مشبعی می‌آورد و در آخر این قسمت می‌گوید: «چون بعضی از اصطلاحات این طایفه که در مرقوم در کار بود، به طریق اجمال مذکور شد ... وقت آن شد که شروع در مقصود کرده شود و آنچه در تعیین علمیه متعین شده به ظهور آید.» (همان: ۲۳)

در قسمت بعد، از تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم سرآغاز مقدمه کتاب لمعات تا پایان لمعه ۲۸ به شرح و تفسیر آن کتاب شریف همت می‌گمارد. پس از پایان شرح لمعات بیست و هشتگانه که موضوع اصلی کتاب است، نویسنده بابتی تازه می‌گشاید و شاخه‌های اصلی طریقت مشایخ صوفیه را بیان می‌کند: «و آنچه امهات طرق است، هفت است که اول طریقه بایزیدیه است که مشهور به خواجگان است و دوم طریقه جنیدیه است که مشهور به کبرویه است و سوم جهریه است و چهارم طریقه عشقیه است و پنجم طریقه خلویه است و ششم چشتیه است و هفتم طریقه پیوندیه است و گر چه طرق بالنهایه است که الطرق الی الله تعالی بعدد انفاس الخلائق...» (همان: ۴۹۵)

سپس به توضیحاتی پیرامون سلاسل صوفیه و معرفی مرشد و مخدوم خویش و شرح کرامات و خوارق عادات ایشان پرداخته، مراتب سیر و سلوک خود را بیان می‌کند که پاره‌ای از آن را در قسمت معرفی مؤلف ذکر نمودیم. در قسمتی دیگر آداب و شرایط طرق صوفیه را ذکر می‌کند و به توضیح آنها می‌پردازد: «مجملاً از آداب و شرایط طرق ذکر کرده آید که شامل طرق سبعة باشد و اول دوام وضو است ... و دویم ذکر است ... و سیم تقلیل کلام است

... و چهارم تقلیل طعام است ... و پنجم تقلیل منام است و ششم وحدت است ... و هفتم ربط قلب است» (همان ۵۳۱: -۵۳۰) و در پایان باز هم از مشایخ خود سخن می گوید.

۳-۴. سبک نگارشی اثر

الف- اسلوب اصلی نگارش اثر چهارچوبی تقلیدی از اشعه المعات جامی است که پس از ذکر مقدمه‌ای ابتدا کلمات لمعات عراقی را به صورت بریده بریده با دوات قرمز مرقوم نموده و در ذیل آن به تفسیر عبارات می پردازد. برای تفصیل بیشتر سطور ابتدایی از لمعه دوم را ذکر می کنیم: «سلطان عشق خیمه به صحرا زند و در خزاین بگشود، گنج بر عالم بپاشد.»

«سلطان عشق اضافه سلطان به عشق تواند اضافه لامی باشد، برین تقدیر مراد از سلطان مرتبه اطلاق است و مراد از عشق مرتبه احدیت ... خیمه یعنی خیمه ظهور، یعنی تجلی فیض وجودی عام به صحرا یعنی به صحرای مکان، تجلی وجودی و فیض عام به وجود مفاض متجلی گردد و خیمه زند و در خزاین را یعنی در خزاین اسما و صفات خود را، چرا که هر یک از اسما و صفات خزینه‌ای است از احکام و آثار اعیان که در صور ممکنات است ... بگشود گنج یعنی گنج احکام و آثار و اعیان ثابته را که مظاهر اسما و صفات بودند ... بر عالم یعنی بر اعیان ممکنات و موجودات خارجی بپاشد یعنی آن ست مجهول کیفیت و...» (میرپادشاه: ۱۰۰-۱۰۱)

ب- نویسنده در جای جای کتاب، عبارت‌های فصوص الحکم و شروح عربی و فارسی آن را در ضمن گفتار خود آورده و در بسیاری از موارد از ذکر منبع خودداری نموده است.

ج- در آیات قرآنی اعراب کلمات نگاشته شده ولی در نوشته‌های عربی دیگر مقید به اعراب گذاری نیست.

د- در توضیح قسمت‌هایی متعدد از لمعات به شرح اشعه اللمعات جامی اکتفا نموده و عین عبارت را نقل نموده و بدون ذکر منبع مشخص نوشته است: و بعضی از شارحان چنین فرموده‌اند؛ مثال:

«و بعضی از شارحان چنین فرموده‌اند: که ای غایات الکمالات الاسماء و الشئون حضرت حق سبحانه را کمالی است ذاتی که در اتصاف به او تعدد وجودی شرط نیست چون وجوب و قدم و تقدیس از صفات نقصان و شهود وی مر شیون و احوال ...» (همان: ۳۶) حدوداً یک صفحه عیناً متن اشعه المعات جامی، در تفسیر کلمه «غایه الکمالات» از متن مقدمه لمعات عراقی آورده شده است.

۵- برخی از ویژگی‌های زبانی کتاب با زبان معیار متفاوت است؛ به‌عنوان مثال ضمائر شخصی منفصل جمع بسته شده‌اند:

«و این اشارت به کمال شفقت اوست سبحانه بر سایر مخلوقات، به تخصیص، بر حقیقت انسانی که از جهت تربیت شمایان پینکی و خواب در من ظاهر نشده.» (همان: ۲۳۸) و «...و انواع و اشخاص وجودات به ظهور رسیده از جواهر و اعراض و اسم موجود به ایشانان منطبق شده در تجلی وجودی...» (همان: ۶)

و- با توجه به استشهادات فراوان به اشعار، در گفتار خود برخی از اشعار شعرا را با نام ایشان ذکر شده است و در عمده قسمت‌ها فقط به استشهاد شعری اکتفا گردیده است:

«... تفصیل این در لمعه پنجم خواهد آمد چنان که در مثنوی حضرت مولوی می‌فرمایند:
جمله آوازه‌ها از شه بود گرچه از حلقوم عبدالله بود
(همان: ۶۹)

«بباید دانست که مراتب موجودات هژده است، چنان که تقریر رفت و درین دو بیت منظوم گردیده:

اول ز مکونات، عقل و جان است اندر پی او نه فلک گردان است
وین مرتبه چون که در چهار ارکان است پس معدن و پس نبات و پس حیوان است
(همان: ۹۸)

که رباعی فوق را بدون ذکر نام از بابا افضل کاشانی نقل کرده است.
ز- نویسنده بر آهنگین بودن کلام خود برای جذابیت و دلنشینی آن ابرام دارد و سجع جملات را تا آنجا که اقتضا نموده، رعایت کرده است:

«حکیمی که کمال حکمتش اعیان ثابته موجودات را عیانی گردانید. کریمی که سوابق کرمش طایران همم اهل عرفان را به اوج فلک اسرار و معانی رسانید.» (همان: ۱)

۳-۵. رسم الخط نسخه

خط کتاب، نستعلیق و نسخ است و با خط بسیار خوش و خوانا نگاشته شده است. تعداد سطور هر صفحه بین ۱۹ تا ۲۳ خط کتابت گردیده که کاتب از دوات مشکوی و قرمز در نوشتن آن استفاده کرده است و از قراین کتابت مشخص است که صاحب ذوق و دانش بوده؛ زیرا خط خوردگی‌های کتابت بسیار کم است و اشتباهات فاحشی ندارد، وی در نوشتن آیات قرآنی سعی بر رعایت اعراب داشته است؛ اما احادیث و عبارات دیگر عربی را در این زمینه فرو گذارده است. در رسم الخط حروف مختص زبان فارسی (پ، ژ، گ، چ) با معادل عربی آنها جایگزین

شده و همین حذف نقطه‌ها و سرکش خوانش متن را قدری مشکل نموده است. قلبی از صفحات هم حاشیه‌نویسی نامتقارن و به هم ریخته‌ای دارد که خواندن آن مشکل است. کاتب مطابق با اصول کتابت زمان خود به رعایت هم اندازه بودن سطور برای زیبایی نوشتار مقید بوده است. گاهی برای رعایت این امر کلمات پرتکراری همانند مصنف را که مقصودش از آن عراقی مصنف کتاب لمعات است، به صورت مخفف آورده تا در حفظ این توازن بکوشد.

«... و از این جهت «مص» تمثیل نموده و ایضاح کرده می‌گویند: ... و اگر ندانی که چه می‌گویم در چشم من آی و می‌نگر تا بینی آفتابی در هزاران آبگینه تافته ...» (میرپادشاه: ۲۴۹)

۳-۶. توضیح و شرح اصطلاحات عرفانی

اصل کتاب بر شرح اسماء و صفات الهی و توضیح عبارات عرفانی شیخ عراقی بنا نهاده شده است؛ ولی فرض مؤلف بر آن است که طلاب مستمع با اصطلاحات عرفانی ابن عربی آشنا هستند؛ بر این اساس در شرح عبارت از این اصطلاحات بسیار استفاده می‌کند و توضیح آن را فرو می‌گذارد و این امر علیرغم سلاست و شیوایی نثر موجب غموض گفتار نویسنده در قسمت‌هایی از کتاب است. برخی از این اصطلاحات عبارتند از: صُورِ علمی، هیولاء کلی، احدیت جمع، جمع الجمع، حضرات خمس، تعیین اول، حضرات اصلیه، فیض اقدس، فیض مقدس، تعیین علمیه، فرق بعد الجمع و...

۳-۸. استناد به کتاب‌های دیگر

میرپادشاه در خصوص مطالب کتاب می‌گوید:

«و آنچه مستور و مرقوم گردیده و می‌گردد همه به طریق نقل است و این ضعیف نحیف و فقیر حقیر کمتر از نقیر و قطمیر، به جز ترجمانی بیش نیست و خوشه‌چین است از خرمان معارف و حقایق بزرگواران دین و صاحبان مبین و عارفان اهل یقین که مقتبسان انوار حقیقت‌اند از مشکوه آفتاب نبوت بحر اصطفی و مخزن کنز اسماء حضرت محمد مصطفی صلی‌الله علیه و سلم.» (همان: ۸)

کتاب مشحون از استشهادات قرآنی، احادیث، جملات مشهور صوفیه، نقل قول‌های عرفای به نام و اشعار شیخ عراقی و شاعران عارف دیگر همچون عطار، مولانا، سنایی، بابا افضل و عزالدین کاشی و... است. در کتاب نقل قول‌های مستقیم فراوانی از فصوص الحکم و فتوحات مکیه ذکر شده و همچنین نویسنده به سبب هم مشربی فکری با خواجه محمد پارسا، به شرح

فصوص الحکم فارسی او اشراف داشته است و از تألیفات متعدد او من جمله «فصل الخطاب» نقل قول‌های مستقیم فراوانی دارد. همچنین نقش جامی و تفسیر اشعه اللمعات او در این کتاب بسیار برجسته است و نویسنده بسیاری از اشعار جامی را از آثار مختلف او در کتاب خود آورده است.

۴. نتیجه‌گیری

معارف الحقایق و مؤلف آن هر دو برای ما ناشناخته‌اند، اما اطلاعات فراوانی که در کتاب درباره نویسنده و استادان وی و دیگر آثارش ملحوظ شده است، بر جذابیت شناسایی آن می‌افزاید. با خوانش و تصحیح این نسخه خطی می‌توان دیدگاهی تازه‌ای بر رمزگشایی مفاهیم مغلق لمعات عراقی گشود و همچنین اطلاعاتی تاریخی در خصوص عقاید پیروان نقشیندیه علی‌الخصوص انشعاب خواجگان جویباری که دانسته‌های اندکی از آن داریم، به دست آورد. جامی در مقدمه کتاب اشعه اللمعات می‌گوید، خواسته تا با درج کلمات لمعات در شرح خود از نسخ خطی لمعات تصحیح قریب به صلاحی ارائه کند. با توجه به اینکه میر پادشاه عیناً متن لمعات را در کتاب خود آورده و نظر به نقل قول‌هایش و نزدیکی زمانی به جامی حتماً این تصحیح را محل اشکال می‌دانسته که نسخه‌ای در اقرب موارد متفاوت با آن را در اثر خود ثبت نموده است. استخراج متن لمعات از اثنای معارف الحقایق و مقایسه آن با نسخ موجود می‌تواند متنی منقح‌تر از این اثر سترگ عراقی را ارائه نماید.

کتابشناسی

- آرامجو، کاظم بیگی و همکاران (۱۴۰۰)، «فراز و فرود حضور شیوخ نقشبندیه در دوره شیبانیان»، *نشریه تاریخ تمدن اسلامی*، سال ۱۷، شماره ۳۵
- انوشه، حسن (۱۳۸۱)، *دانشنامه ادب فارسی در آسیای میانه*، تهران: طبع و نشر.
- الگار، حامد (۱۳۷۸)، *نقشبندیه*، ترجمه داوود وفاپی، تهران: مولی.
- اخترچیمه پاکستانی، محمد (۱۳۷۵)، «بررسی شروح لمعات»، *نشریه معارف*، شماره ۳۸
- براتی، محمود (۱۳۸۷)، «سبک سخن فخر الدین عراقی در لمعات» *پژوهش‌های ادب عرفانی*، پیاپی ۶، صص ۲۹-۵۲
- پارسا، محمد بن محمد (۱۳۸۱)، *فصل الخطاب*، به تصحیح جلیل مسگر نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۸۳)، *اشعه لمعات (شرح لمعات)*، به تصحیح هادی رستگار مقدم گوهری، قم: بوستان کتاب.
- حقیقی، فرزاد (۱۳۹۳)، «تصحیح از نظر جامی و کارکرد آن در شرح لمعات عراقی»، *آیینة میراث*، شماره ۲، پیاپی ۵۵
- حکیمیان، بهمن (۱۴۰۰)، *ساغر شیدایی (لمحاتی بر لمعات)*، ارومیه: کتاب آسمان
- شاه نعمت الله ولی (۱۳۸۵)، *کلیات شاه نعمت الله ولی*، به سعی دکتر جواد نوربخش، تهران: یلدا قلم.
- شاه نعمت الله ولی، (۱۳۵۴)، *شرح لمعات*، به تصحیح دکتر جواد نوربخش، تهران: خانقاه نعمت الهی
- شیخ الاسلامی، علی؛ انصاری، شهره (۱۳۸۰)، «معرفی کتاب اللمحات فی شرح اللمعات» (شرحی زیبا و کهن از لمعات عراقی)، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی* دانشگاه تهران، ۲ (۲) (ضمیمه)، صص ۱-۱۱
- عراقی، ابراهیم بن بزرگمهر، (۱۳۸۲)، *رساله لمعات و رساله اصطلاحات*، به سعی دکتر جواد نوربخش، چاپ دوم، تهران: یلدا قلم.
- میرپادشاه، میرسید حسین (بی تا)، *معارف الحقایق فی تحقیق الحقایق*، بی تا، ۱۰۰۳، کتابخانه مجلس شورای اسلامی

Introduction to the Manuscript Ma'arif al-Haqa'iq fi al-Tahqiq al-Daqa'iq, a Commentary on Lama'at of Iraqi, and the Necessity of Its Critical Edition

*Mohammad Jalali^۱ - Esmail Tajbakhsh^۲

۱. Ph.D. Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: jalalium11@gmail.com
۲. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Article Info (۹۹-۱۰۴)

ABSTRACT

Article type: Research Article

Article history:

Received: ۰۳/۰۴/۲۰۲۴

Accepted: ۱۰/۰۷/۲۰۲۴

Keywords: Fakhr al-Din Iraqi, Lama'at, Ma'arif al-Haqa'iq, Mir Padshah, Commentary, Critical Edition, Sufi orders, Mystical truths, Stylistic features.

na'at by Fakhr al-Din Iraqi is one of the most significant works in Persian, exploring the stages of love and mystical truths. Due to the subject of this work and its use of many mystical terms and references, many mystics and scholars have long sought to ease its comprehension by writing various commentaries and glosses on this valuable book. Ma'arif al-Haqa'iq, written by Mir Padshah, is the most extensive commentary on this precious work. This manuscript is a newly discovered version that has not yet undergone any critical editing. In the present study, the authors aim to introduce the author of this work, and through a descriptive-analytical method, relying on primary and documentary sources, they examine and analyze the content of the book, highlighting its key stylistic features. According to the findings of this research, a critical edition of the manuscript Ma'arif al-Haqa'iq fi al-Tahqiq al-Daqa'iq, given the extensive commentary by the author, his discussions on other commentaries, and the significant information it contains about the beliefs and teachings of various Sufi orders, would be of great value and contribution to the field.
